

آراستگی دفاع در مقابل تحریم ها

(۱۴)

قسمت اول و دوم

امیر فیض- حقوقدان

چندی پیش که خبر درگذشت آقای دکتر صمدانی انتشار یافت کمی به خود آمدم که باید بدهی تحریرات گذشته ادا گردد؛ زیرا برخی از دیون خاصه، در تکلیف شخص است و قابل انتقال نیست.

دیون تحریرات سابقه کم نیست تا فرصت کوتاهی که ممکن است برای من باقی باشد بتواند ادا کند ولی حداقل این فرصت، هم اکنون وجود دارد که مهمترین آنها بتحریر درآید.

البته تشخیص مهمترین موضوعات، امری نسبی است ولی اجازه بفرمائید که دانه تشخیص مزبور محاط بر کسی باشد که هم اکنون در ادای دین مشتاق و آماده است.

مهمترین مشکل ایران

مهمترین مشکلی که تباهی ایران، از هر جهت اعم از استقلال و تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، رشد اقتصادی، رفاه مردم و عزت کشور را بتصویر میکشد، موافقتنامه ژنو و تحریم های پی آمد آن است.

ممکن است تشخیص مزبور جای ممتازی در دانه مشکلات عظیم ایران بنظر نیاید ولی علت اینکه ۱۳ تحریر، تحت عناوین مختلف به مسئله تحریم ها و موافقتنامه ژنو اختصاص داده ام، عظمت خطرات موافقتنامه و تحریم های پیوست آن است. امید وارم که تصویر فکری ام درست نباشد؛ ولی ۱۳ تحریر در یک موضوع نشانه نگرانی ذاتی و عمیق است که گفته اند (رنگ رخساره نشان میدهد از سر نهان).

لطفا اجازه این جرات را بمن بدهید که با ارائه تشبیهی، خواننده این تحریر شاید از قبول زحمت قرائت آن راضی گردد.

تشبیه برای جبران زحمت خواندن تحریر

تحریم های بلند مدت یکطرفه آمریکا به انبوه موریانه ای قابل تشبیه است که بدون اینکه دیده و یا احساس شوند بتدریج ساختمانی را میجوند تا فروبریزد. در ظاهر هیچ اثری از فعالیت موثر موریانه ها دیده نمیشود و بهرکس هم گفته شود این ساختمان گرفتار موریانه است باور نمیکند. ساختمان، ظاهری زیبا و تمیز و برو بیا دارد، ولی از باطن پوسیده و هر روز پوسیده تر میشود تا بکل فروریزد.

مقصود، فرو ریختن ایران است، نه جمهوری اسلامی که شیخ حسن و سید علی و هم قواره های آنها همچون کرم خاکی و عقرب و مارمولک زیر خاکهای ساختمان هستند. فرو ریختن ساختمان ممکن است آنرا از بین ببرد و یا نبرد و غالباً هم ساختمان درهم میریزد و آن جانوران از صدمه میگریزند.

آنان که مثل شاخ شمشاد در سالن کنگره آمریکا می ایستند و یکساعت از تحریم های آمریکا و ادامه آن دفاع میکنند و آنهایی که مشوق آمریکا به برقراری تحریم های بیشتر هستند موریانه هائی هستند که به حمایت موریانه ها برای فرو افتادن ایران همکاری میکنند، شرمشان باد که تا این حد ذلیل و عمله بیگانه برای تباهی ایران شده اند.^۱

باری- همانطور که ممکن است ساختمان موریانه زده ای را قبل از فرو ریختن با سمپاشی نجات داد این تحریر هم در تجسس راهی منطبق با حقوق بین الملل است که بتوان با استفاده از آن ایران را از موریانه تحریم ها نجات داد.

واما بعد

در تحریر (تبعات حقوقی تحریم ها ردیف ۹)^۲ راجع به فراگیری تحریم های آمریکا علیه ایران توضیحاتی داده شد و در پایان آن تحریر اضافه شد؛ >این تحریر ممکن است ناقص شناخته شود اگر در رابطه با تحریم های کنگره آمریکا از تاکیدات حقوق بین الملل غفلت شود<.

اکنون جبران غفلت

تحریر حاضر نه درباره ماهیت حقوقی تحریم های یک طرفه آمریکا و نه در مورد اثرات اقتصادی تحریم ها و نه در باب فشار به توده مردم است. موضوع این تحریر شاید بتواند اشاراتی را در برداشته باشد که از مجرای آنها بتوان راه حلی برای مهار این مشکل عظیم و غیر قابل تصور پیدا کرد.

دلیل اینکه این تحریر چندان تمایلی به ورود ماهوی حقوقی تحریم های کنگره آمریکا ندارد اینست:

- بحث مزبور از ابتدای تشکیل سازمان ملل، مبتلا به مخالف و موافق بوده و نظرات هر گروه هم آنچنان پخته و قابل قبول و هضم است که هر کدام دلچسب تر از دیگری بنظر میرسد، ولی >آنجا که عمل جاری است، چه جای جدل است<.

از زمان تشکیل سازمان ملل متحد تا کنون ۱۸۳ تحریم اقتصادی از سوی کشورها به کشورها تحمیل شده که در آنها آمریکا ۱۴۹ مورد تحمیل کننده بوده است؛ یکی از وزرای دفاع آمریکا در یکی از سخنرانی هایش این اشاره را بازگو کرد که >بیش از ۷۰ کشور جهان یا دوسوم جهان زیر بار تحریم های آمریکا هستند< دبیرکل سازمان ملل متحد هرگونه تحریمی بغیر از تحریم های شورای امنیت را غیرقانونی دانسته است.

سازمان ملل متحد برای بیست و دومین بار قطعنامه ای صادر کرد که در آن تحریم های ۵۰ ساله یکطرفه آمریکا علیه کوبارام محکوم کرد و ۱۸۸ کشور به آن رای دادند بغیر از آمریکا و اسرائیل.

^۱ - چنین جمله میهن پرستانه ای در چند پاراگراف بالا در هیچ نوشتار و یا سخنرانی هیچ به اصطلاح «اوپوزیسیونی» دیده نشده است... سلامتی استاد امیرفیض را آرزو کنیم تا این کوه بزرگی که میتوانیم به آن تکیه کنیم همچنان باقی بماند. ح-ک

^۲ - [http://1400years.org/AmirFeyz/TaboateHoghoughiHahrimHa\(9\)-AmirFeyz-08Jul2014.pdf](http://1400years.org/AmirFeyz/TaboateHoghoughiHahrimHa(9)-AmirFeyz-08Jul2014.pdf)

آقای سرلئون برتین رئیس کمیته سیاست جامعه اروپا در مورد تحریم کوبا گفت: «ما نمیتوانیم دست روی دست بگذاریم و کاری نکنیم در حالیکه شرکت های اروپایی و افراد، در مورد تهدید فوری تحریم های یکطرفه قرارداد دارند».

آقای فرید هلم است، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس آلمان گفته است: «این واقعا غیر عادی است که یک ابر قدرت در کشور خود قوانینی وضع کند که کل جهان باید آنرا رعایت کنند».

آقای پوتین در سفر اخیرش به کوبا ضمن بخشیدن ۹۰ درصد از بدهی های دولت کوبا وعده داد که کوبا را از تحریم ها نجات بدهد.

شهادت های مزبور بدین سبب گرد آمد که قبول کنیم جریان تحریم ها خیلی قویتر از نظرات حقوقی و منتقدین و حتی شخصیت ها و مسئولین کشورهاست و بصورت یک قوه مسلط و قوی جایگزین قوای نظامی و جنگ شده است.

تحریم های قانونی شورای امنیت وسیله و ابزاری علیه کشوری است که از اعمال مقررات بین المللی سر باز زند و حکم آن هم از سوی شورای امنیت صادر میشود، ولی تحریم های یکطرفه کشورها و از جمله آمریکا برای تحقق خواستهای سیاسی و اعمال فرث Force است.

یکی از شخصیت های آمریکایی که از تحریم ها دفاع میکند گفته است:

«تحریم ها با هزینه کمتر و آرامش خاطر بیشتر و احترام به جان مردم همان دستاوردی را دارد که جنگ دارد».

این نظریه که تحریم ها سبب سقوط دولتها نمیشود یک نظریه کلی است و شواهد عینی هم نشان از درستی آن دارد ولی نباید اشتباه کرد که، هدف نهایی از تحریم های یکطرفه، تغییر دولتها نیست بلکه قبول خواست های تحریم کننده است، یعنی درست همان هدفی که جنگ برای دستیابی آن تجهیز میشود.

دستاورد اول - غیر قانونی بودن تحریم های یکطرفه

توضیحات و شهود ارائه شده، این دستاورد را با معارضه میکند که نمیتوانیم به غیر قانونی و یکطرفه بودن تحریم های آمریکا خود را قانع کنیم. دیدید که ۲۲ بار سازمان ملل در جلسه عمومی تحریم ۵۰ ساله کوبا از سوی آمریکا محکوم کرد ولی تحریم های کوبا کوچکترین تکانی نخورد.

یادتان هست که احمدی نژاد گفت: «شورای امنیت آنقدر قطعنامه صادر کند تا قطعنامه صادرکنشان پاره شود» مسئولین جمهوری اسلامی از جمله علی لاریجانی هم گفت: «قطعنامه ها یک کاغذ پاره است»

یکی از سفرای جمهوری اسلامی در مقاله ای مفصل مدعی شده که چون حق غنی سازی از آن همه کشورهای عضو آژانس اتمی است لذا ایران میتواند به دادگاه لاهه برای توقف تحریم های یکطرفه رجوع کند. این آقای دیپلمات جمهوری اسلامی که برای دل عوام حرف میزند میداند که دادگاه لاهه تا وقتی احراز صلاحیت نکند وارد رسیدگی نمیشود و احراز صلاحیت هم منوط به موافقت طرفین دعواست. آیا

کنگره آمریکا که قانون تحریم هارا گذرانده اختیار فسخ آنرا به دادگاه لاهه میدهد؟ وانگهی ۳۲ سال طول کشید تا دادگاه لاهه به شکایت ایران از آمریکا بمناسبت عدم اجرای قرارداد الجزایر حکم داد بعد از ۳۰ سال آینده، اجرای تحریم های آمریکا چه چیزی از ایران باقی خواهد گذارد؟

این حرفها به این دلیل عمومیت یافته بود که عقیده همگان برآن بوده وهست که تحریم های یکطرفه غیرقانونی است. گویا بنظر آنها تمام کارهای دولت ها درروابط داخلی وخارجی قانونی است وفقط این مورد است که غیرقانونی است، ازباب نمونه آیا گروگان گیری کارمندان سفارت آمریکا ازسوی جمهوری اسلامی قانونی بود، که تحریم ها غیرقانونی باشد؟ حمله به عراق ولیبی قانونی بوده که تحریم ها غیرقانونی باشد؟

قوانین دوصورت دارند صورت انشائی وصورت اجرائی. صورت اجرائی اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل درجریان اجرا متاسفانه صورت خاص خودش را دارد که باصورت انشائی همخوانی ندارد.

دنیا، میدان زورگونی وگرگ ومیش شده است، مگرنظرنیستیم که برروابط کشورها زدوبند کشورها و بده بستان حاکم است نه حقوق بین المللی واخلاق شایسته انسانها.

نتیجه اینکه ادعای غیرقانونی بودن تحریم ها وسیله رهایی ازتحریم ها نیست ونمیشود

تعقیب کیفری آمریکا دستاورد دوم

حقوقدانان دولتی جمهوری اسلامی یک دسته احتجاج دارند که تحریم کشورها نوعی جنایت علیه بشریت است وباید آمریکا را در دادگاه کیفری تعقیب کرد صورت قانونی این نظریه درست است ولی صورت عملی آن فکاهی است.

فکاهی بودن این نظریه جای بحثی را روا نمیسازد سابقه این ادعاهای ناوارد ونمایشی را درمورد تعقیب کیفری سید علی هم داریم. این صحبتها که بازاری ونمایشی است لااقل برای ما ایرانی ها پرسابقه است.

آری بسیاری ازشخصیت های سیاسی به اعتبارمنشورسازمان ملل بوش وبلر را جنایتکارجنگی میدانند که باید محاکمه شوند، آقای مایکل مانسفیلد مشاورحقوقی ملکه انگلستان یکی ازبرجسته ترین آنهاست ولی از این زنگوله ها به گردن روسای جمهورآمریکا بستن دردنیای امروز محال است.

نتیجه اینکه دل خوش کردن به تعقیب رئیس جمهور آمریکا بمناسبت تحریم ها هم موجب رهایی ایران از تحریم ها نمیشود.

تمسک به قرارداد دوستی بین ایران وآمریکا دستاورد سوم

در جریان تحقیق نسبت به نظرات حقوقدانان دولتی جمهوری اسلامی با نظریه ای روبرو شدم که بقول معروف (شاخ درآوردم)

نظریه مزبور از سخنگوی سابق قوه قضائیه و استاد دانشکده حقوق بنام دکتر محمد صادقی و همچنین آقای قشقاوی معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی است.

آنان مدعی اند که در سال ۱۹۵۶ (۲۰ سال قبل از شورش ۵۷ و در زمان شاهنشاه آریامهر)، ایران و آمریکا عهدنامه ای تحت عنوان دوستی ایران و آمریکا امضا کرده اند که برپایه دوستی صمیمانه و صلح پایدار و استوار برقرار شده است (ماده اول پیمان).

در ماده هشتم بند دوم ممنوعیت ورود و صدور کالا رد شده و توضیح شده که کشورهای آمریکا و ایران نباید بهم ممنوعیت کالا داشته باشند.

حقوقدانان دولتی جمهوری اسلامی به اعتبار بند مزبور تحریم های یکطرفه آمریکا را علیه جمهوری اسلامی برخلاف عهد نامه ایران و آمریکا میدانند و معتقدند که از طریق دادگاه لاهه میتوان تحریم هارا برداشت.

اینکه آیا قرارداد مزبور که ۵۸ سال قبل به امضای دولت شاهنشاهی ایران رسیده و پس از شورش ۵۷ مفهوم روابط دوستی بین ایران و آمریکا به یک دشمنی بسیار حد و علنی تبدیل شده است هنوز اعتبار حقوقی دارد یا خیر موضوعی است خاص و کلی و فلسفی که در نتیجه، علی الاصول مادام که قرارداد فسخ نشده واجد اعتبار شناخته میشود و حقوقدانان دولتی جمهوری اسلامی هم توسلشان به آن عهدنامه همین مورد است.^۳

اما آنها (حقوقدانان دولتی) دانستنی های خودشان را که مانع تحقق تداوم حقوقی قرارداد مزبور است کتمان میکنند که برخی از آنها اینهاست:

- ۱- هر قراردادی وابسته به موضوع قرارداد است و وقتی موضوع قرارداد از بین برود دیگر قرارداد موضوعیت ندارد و قرارداد بی موضوع هم قرارداد شناخته نمیشود.
- ۲- بعد از پیروزی شورشیان و تبدیل حکومت کشور به جمهوری، اقدامات دشمنانه و کینه توزانه جمهوری اسلامی که همگان آگاهند و بخشی از آن مربوط است به گروگان گیری کارمندان سفارت، موضع قرارداد دوستی و مودت بین ایران و آمریکا رابه دشمنی تبدیل کرد، و این تغییر موضع قرارداد از نظر معاهده وین ۱۹۶۸ <تاثیر اوضاع و احوال در اعتبار معاهدات> محسوب میشود که معاهده وین تاثیر آنرا بر اعتبار قرارداد دوستی ایران و آمریکا مسلم میداند.
- ۳- یکی از مواردی که قرارداد بین دو ویاچند کشور را منتفی میکند ممکن الاجرا نبودن موضوع قرارداد است؛ آیا این واقعیت را در مورد جمهوری اسلامی و آمریکا با سوابقی که درست است

^۳ - در سالهای ۱۹۷۲ تا اوایل سال ۱۹۷۳، توافقی بین دولت شاهنشاهی و آمریکا بدست آمد که برخی سفرای دولت شاهنشاهی هم از آن مطلع بودند، در صورتی که ایرانی دچار گرفتاری از هر نوع بشود آمریکا موظف است به ایران کمک کند. دیدیم که آمریکا خود با علم کردن «خمینی» اسباب دردسر برای ایران شد و هیچ سفیری هم از آن توافق نامه بهره نگرفت و آمریکا را به کمک نطلبید.. در توافقنامه به درخواست از سوی ایران تاکید شده بود. ح-ک

میتوان نادیده گرفت و مدعی شد که قرارداد دوستی ایران و آمریکا در زمان شاه هنوز بقوت و اعتبار خود باقی است؟

۴- یکی از موارد و تعلقات رابطه دوستی بین ایران و آمریکا در قرارداد موصوف، آزادی و اردات و صادرات کالا است یعنی آزادی واردات و صادرات کالا، موضوع قرارداد نیست بلکه از تبعات موضوع قرارداد که صلح و دوستی و وجود اعتماد متقابل است میباشد لذا وقتی موضوع قرارداد یعنی دوستی و اعتماد منتفی شد تبعات وارد بر موضوع هم منتفی شده است.

۵- بر طبق نظریه عموم حقوقدانان بین المللی >بروز وقایعی که در قرارداد پیش بینی نشده و مانع از ادامه قرارداد میشود، سبب اجرانشدن قرارداد میگردد<.

بر طبق ماده ۶۱ کنوانسیون ژنو به دلیل ممکن الاجرا نبودن موضوع قرارداد دوستی ایران و آمریکا، قرارداد غیر قابل اجرا و اعتبار گردیده است.

۶- یک قرارداد لازم نیست حتما اعلام فسخ از جانب یک طرف و یا طرفین شود هر عهده نامه و یا قراردادی یکدوره اجرایی دارد و بر فرض اینکه قرارداد فاقد مدت باشد، هیچگاه ابدی نیست بسیاری از قراردادهای بین کشورها وجود دارد که اعلام فسخ نشده ولی به حالت انقطاع در آمده و بر حسب ماده ۷۰ عهد نامه ژنو (۱۹۶۸) در دوران انقطاع معاهده، طرفین آزاد از تعهد میشوند.

یکی از حقوقدانان خارجی میگوید: (عهده نامه ها متولد میشوند، زندگی میکنند و میمیرند).

۷- بعد از اقدامات عملی دشمنانه جمهوری اسلامی علیه آمریکا که همه آگاهند مسئله تحریم جمهوری اسلامی بعنوان یک سلاح سیاسی آرام برای کنترل و منزوی و محروم و محدود ساختن قدرت جمهوری اسلامی بوسیله آمریکا مطرح شد، و کنگره آمریکا قانون داماتو - لیبی را در سال ۱۹۹۵ تصویب کرد، این قانون که در زمان بیل کلینتون تصویب شد و نام اجرایی آن شنکسن علیه ایران و لیبی است؛ در مقدمه آن آمده است >بدلیل آنچه که حمایت جمهوری اسلامی از تروریسم بین المللی و مخالفت با صلح خاور میانه نامیده میشود هرگونه مشارکت شرکت های آمریکایی در توسعه صنعت نفت ایران منع میشود و در ماه مه ۱۹۹۶ کنگره آمریکا به اعتباران قانون کلیه مبادلات اقتصادی با جمهوری اسلامی را تحریم کرد یعنی آغاز تحریم های یکطرفه حدود ۱۷ سال بعد از شورش ۵۷ و اشغال سفارت آمریکا بوده است.

بنابراین قانون مزبور متضمن دو حکم است:

حکم اول فسخ قرارداد دوستی ایران و آمریکا در زمان شاه است، زیرا ماهیت قانون داماتو کاملاً خلاف قرارداد دوستی ایران و آمریکا بوده است.

لازم به اشاره است که فسخ قراردادها و یا حتی قوانین، گاه صریح است و گاه ضمنی. که مورد بالا یعنی وضع قانون داماتو کلی است که ساقط کردن اعتبار قرارداد دوستی ایران و آمریکا را نیز متضمن است.

آیا با وضع قانون داماتو، بعقیده حقوق دانان دولتی جمهوری اسلامی قرار داد دوستی ایران و آمریکا در زمان شاه هنوز هم معتبر است؟!!!

حکم دوم که بسیار با اهمیت است، این است که قانون مزبور ۸ سال قبل از مسئله هسته ای ایران وضع شده و انگیزه قانون داماتو هم ضد تروریستی معرفی شده است، به عبارت دیگر قانون مزبور یک قانون مستقل ضد تروریستی و حقوق بشری است و هیچ ارتباطی با قطعنامه های شورای امنیت در مورد الزامات هسته ای ایران ندارد و این درست همان چیزی است که آمریکائی ها مدعی اند.

۸- موافقت نامه ژنو مشتمل بر دو بخش در رابطه با تحریم هاست یکی بخش متعلق به قطعنامه های شورای امنیت و دومی که مورد نظراین تحریر است تحریم های یکطرفه آمریکاست که چنانچه ملاحظه کردید و در همین تحریر هم شرح مکمل خواهد داشت و ابسته به قانون داماتوست که تعلیق و یا انطفاء آن موکول به وضع قانون دیگری از سوی کنگره آمریکاست.

البته ذکر این حقیقت تلخ بجاست که هیچ کشوری نمیتواند قوانین موضوعه داخلی کشور خود را به کشورهای دیگر تحمیل کند چنانکه قانون داماتو به ایران و لیبی تحمیل شده است؛ ولی اشکال بزرگ کار در این است که نمایندگان جمهوری اسلامی در موافقتنامه ژنو این تحمیل را پذیرفته اند و مشکل بزرگ در همینجاست.

علت خیالبافی

چیزی که سبب شده تا تصور نادرست حقوقدانان دولتی جمهوری اسلامی روی قرارداد دوستی ایران و آمریکا (زمان شاه) متمرکز شود این است که جمهوری اسلامی در مورد حمله هوایی و دریایی آمریکا به تاسیسات نفتی ایران در جریان جنگ عراق و ایران بر اساس همان قرارداد دوستی ایران و آمریکا به دادگاه لاهه شکایت کرد که سودی هم نبرد. نباید فراموش کرد که در آن زمان خیلی چیزها در روابط آمریکا و جمهوری اسلامی نبود که امروز هست مانند قانون داماتو و موافقت نامه ژنو.

حاشیه تکلیفی

توسل به قرارداد دوستی ایران و آمریکا بقول میرزا آغاسی؛ >اگر برای ایران آبی نمیشود برای حقوقدانان دولتی نان که میشود<.

حقوقدانان دولتی بجای بند بازی با الفاظ و توسل به قرارداد دوستی ایران و آمریکا که لقمه ای گلوگیر است میتوانند و میتوانند راه هائی را مورد نظر قرار دهند که حق تضییع شده ایران در موافقتنامه ژنو راجع به رجوع دادگاه لاهه احیاء گردد. تضییع این حق چیز کوچکی نیست مشتمل بر نادیده گرفتن اصول یک قرارداد و صراحت اعلامیه جهانی حقوق بشر است از جمله موردی که میتواند مورد توجه حقوقدانان دولتی ایران قرار گیرد این است:

کمیسیون حقوقی مجلس بدون اینکه وارد رسیدگی ماهوی نسبت به موافقتنامه ژنو شود > زیراسیاست جمهوری اسلامی دخالت مجلس در رسیدگی به موافقتنامه ژنو و موافقت یا مخالفت مجلس نیست< ایراد خود را متوجه عدم وجود مرجع رسیدگی به اختلافات بین ایران گروه ۱+۵ در موافقتنامه ژنو و عدم رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر میکرد؛ چراکه حق مراجعه به دادگاه لاهه که از اصول حقوقی معتبر همه قراردادهاست در موافقتنامه ژنو منظور نشده است و موافقتنامه ژنو معیوب و ناقص است.

ایراد مزبور یک ایراد حقوقی رسمی است نه ماهیتی و در کلامی دیگر یک اشتباه و کسری در قرارداد، و اصلاح و تکمیل آن فرض میشود و قابل قبول نیست که ۱+۵ در عدم قبول ایراد کمیسیون حقوقی مجلس احتجاج و یا مقاومت میکرد یابکند.

علت ارجاع موضوع به کمیسیون حقوقی مجلس از این جهت است که نمایندگان جمهوری اسلامی در مذاکرات ژنو، مادامی که ایراد کمیسیون حقوقی مجلس در مذاکرات ژنو مطرح و اتخاذ تصمیم نشده و کمیسیون حقوقی مجلس قانع نشود، حق ندارند که در مذاکرات و تصمیمات مشارکت داشته باشند.

دوم اینکه مسئولیت مجلس را در مقابل اجرای موافقتنامه ژنو لوث میسازد زیرا دولت به ایراد حقوقی مجلس اهمیتی نداده است.

سوم که قابل استفاده بیشتر در آتیه خواهد بود دخالت کمیسیون حقوقی مجلس بشرحی که عرض شد ایجاد مانع قانونی میکند که مجلس بتواند بدون موافقت با فرم حقوقی موافقتنامه ژنو وارد تصمیم گیری نسبت به ماهیت موافقتنامه ژنو گردد و بدین ترتیب آخرین سنگری که موجود است از دست برود.

برنامه مزبور میتواند و میتواند این احتمال را که نمایندگان جمهوری اسلامی به این مهم یعنی حق رجوع به دادگاه لاهه توجه نکرده و یا اشتباه کرده اند جبران کند و اگر ۱+۵ با این ایراد حقوقی مجلس مخالفت کند، مخالفت منطقی و عامه پسند محسوب نمیگردد و دست بالای جمهوری اسلامی در اجرای موافقتنامه و یا تعلیق آن را ایجاد خواهد کرد.

البته معلوم است که اظهار رضایت خامنه ای از موافقتنامه ژنو و تجلیل از دولت، موانعی در سر راه حل مزبور خواهد بود ولی با همه دست اندازهایی که هست پیگیری آن، امکان حق مراجعه به دادگاه لاهه را برای ایران بوجود خواهد آورد و این حق کلیدی بسیار، بسیار ارزش خواهد بود.

<عاقلان دانند معمارا که فصل گفتنش ممنوعه است>

آراستگی دفاع در مقابل تحریم ها

(۱۴)

(قسمت دوم)

چرا اصرار به توسل قرارداد دوستی ایران و آمریکا در قرارداد دوستی بین ایران و آمریکا بند دوم ماده ۲۱ مقرر شده که هر اختلافی بین طرفین (ایران و آمریکا) در مورد تفسیر و یا اجرای مواد قرارداد پیش بیاید و ایران و ایالات متحده نتوانند آنرا بنحو رضایت بخشی حل کنند موضوع به دادگاه بین المللی لاهه ارجاع میگردد.

در موافقتنامه ژنو برخلاف قرارداد دوستی ایران و آمریکا مرجعی برای رسیدگی و یا تفسیر و یا حل اختلاف بین ایران و ۱+۵ پیش بینی نشده است و عدم پیش بینی به معنای عدم قبول صلاحیت دادگاه لاهه است و

هریک از طرفین وقتی میتواند به دادگاه لاهه رجوع کند که طرف دیگر هم رجوع به دادگاه را رضایت بدهد.

جمهوری اسلامی چون سخت درتله ای افتاده که حق شکایت از تفسیر و اجرای موافقتنامه از او سلب شده است مگر بارضایت آمریکا لذا تقلا میکند که از صراحت قرارداد دوستی ایران و آمریکا برای نجات خودش از مخصصه موافقتنامه ژنو استفاده کند. (گرداندن اب در غربال).^۴

از آنجا که آمریکا در مذاکرات ژنو با قصد و اراده و آگاهی کامل، به صلاحیت دادگاه بین المللی لاهه اشاره نکرده برای همین است که دست جمهوری اسلامی از اجحافات و تفاسیر یکطرفه آمریکا بسته باشد تا ایران ناچار شود که به خواسته های نامحدود آمریکا که پشت سر هم زائیده خواهد شد تن بدهد.

این شیطنت آمریکا این حق اصولی را برای ایران بوجود میآورد که خواهان رفع نقص از متن موافقتنامه ژنو بشوند هر چند استفاده از این حق اصولی میباید قبل از اجرای موافقتنامه مطرح میشد و اکنون طرح آن بسیار ضعیف است ولی در هر حال طرح و خواستاری آن با سکوتی که حائل است بسیار متفاوت است.

همانطور که در تحریرات ردیف ۱ تا ۱۳ به تصدیع رفت تردید نیست که شیخ حسن و ظریف و عراقچی سه تفنگدار آمریکایی، درتله انداختن ایران نقشی بسیار براق داشته اند زیرا نمیتوان باور کرد که یک حقوقدانی که در وزارت خارجه کشوری اشتغال داشته چنین قراردادی خاصه با بستن راه شکایت ایران را امضا کند، همینجا این حرف علی لاریجانی بیاد میآید که گفت: **> هیچ احمقی چنین قراردادی را امضا نمیکند<** ولی احمقی که مامور بیگانه است امضا میکند مگر قرارداد ۱۹۱۹ را و وثوق الدوله امضا نکرد.

مطالبه خسارات تحریم ها دستاورد سوم

اصل جبران خسارات زیان دیده که در حقوق عمومی همه کشورها جاری است در حقوق بین الملل هم رسمیت یافته و سابقه اجرایی مفصلی هم دارد و در حقیقت میتوان گفت که اگر تحریم کشورها از باب صلاحیت و حاکمیت کشورها قابل ممنوع کردن نیست ولی این حق برای کشورهای تحریم شده مورد حمایت است که مطالبه خسارت بابت تحریم ها از کشور تحریم کننده بنمایند.

البته مقصود از تعلق خسارات بهر عملی است که کشوری برخلاف منشور سازمان و یا دستور شورای امنیت سازمان ملل نسبت به کشور دیگری اعمال کند که البته شمول خسارت فقط متوجه دولت نمیشود بلکه بخش خصوصی را هم منظور دارد.

آقای کوفی عنان دبیرکل سابق سازمان ملل در سال ۱۳۸۴ در مصاحبه با اشپیگل آلمان ضمن محکوم کردن حمله نظامی آمریکا به عراق که بدون قطعنامه شورای امنیت صورت گرفته بود گفت

^۴ - همانند خشت به دریا زدن است.. ح-ک

>بیشتر مقامات و ارشادان منطقه معتقدند که آمریکا قبل از خروج از عراق مسئول بازگرداندن بسیاری از حقوق مردم عراق است<
(نقل از کیهان لندن شماره ۱۱۲۴)

جبران خسارات کشورهای زیان دیده و مردم آنکشورها مورد تائید دادگاه حقوق بشر اروپا هم قرار گرفته است. دادگاه حقوق بشر انگلیس در ۱۶ تیرماه سال ۱۳۹۰ دولت انگلستان را مسئول و متعهد پرداخت خساراتی دانسته که در دوران اشغال نظامی عراق بدست سربازان انگلیسی کشته شده اند.

راه مطالبه خسارات ناشیه از تحریم هم بسته است

راه مطالبه خسارات برای کشورهای زیان دیده از تحریم که میتواند راهی برای ختم تحریم ها بحساب بیاید و کشور تحریم کننده را وادار به توقف تحریم ها کند هم متأسفانه به روی ایران بسته است. و دو مانع مشهود آنرا میتوان از هم اکنون ملاحظه کرد.

مانع اول حق وتوی آمریکا

مواردی که از طرف شورای امنیت به دادگاه لاهه فرستاده شود شامل مواردی است که در قرارداد بین کشورها برای دادگاه لاهه احراز صلاحیت نشده است، ولی از آنجا که جنگ بین دو کشور و یا اقداماتی که منجر به خسارت به کشور دیگر میشود ناشی از اقدامات یکطرفه است و در این مواقع قراردادی بین دو کشور وجود ندارد که مسئله احراز صلاحیت دادگاه لاهه در قرارداد پیشبینی شده باشد، موضوع با شکایت کشورهای زیان دیده به شورای امنیت سازمان میرود و شورای امنیت است که قضیه رسیدگی به خسارت کشورهای زیان دیده را به دادگاه لاهه ارجاع میکند.

حق وتوی آمریکا در شورای امنیت مانعی است برای اینکه درخواست خسارت ایران به دادگاه لاهه برود و شکایت ایران به پشت در دادگاه لاهه هم نمیرسد.

طبق اعلام مقامات ذیربط، کوبا تاکنون ۱۰۰۰ میلیارد دلار زیان تحریم هارا کشیده و اگر نمیتواند مطالبه خسارت کند برای همین موقعیت آمریکا در شورای امنیت است.

امیدوارم توضیحات بالا نشان داده باشد که کمک سه تفنگدار آمریکایی در جریان مذاکرات و موافقتنامه ژنو چه دستاورد گران قیمیتی را نصیب آمریکا و چه حق مسلمی را از ملت ایران ساقط کرده است.

مانع دوم

بر فرض اینکه آمریکا به دلایلی که ممکن است جنبه سیاسی آن اجازه دهد، از حق وتوی خود در مورد ارجاع شکایت ایران به دادگاه لاهه استفاده نکند و لاجرم شکایت ایران راهی دادگاه لاهه شود.

در اینصورت، جمهوری اسلامی با دو محذور روبروست؛ نخست اینکه جمهوری اسلامی نسبت به رای صادره از دادگاه لاهه در مورد آزاد کردن گروگان های آمریکایی در ایران در سال ۱۳۵۸ از اجرا و تمکین به رای خودداری کرد. بد نیست بدانید که واکنش جمهوری اسلامی نسبت به حکم دادگاه لاهه چه بوده است.

(خمینی در مصاحبه ای با نماینده روزنامه تایمز لندن گفت: <دولت آمریکا همانطور که بمانظرم کرده و بد کرده به ملت آمریکا هم ظلم کرده است، بآبودن کارتر در راس ریاست جمهوری، رئیس جمهوری او یک خطر بزرگ برای آمریکاست و شرافت کشورش بدست این آدم از بین میرود>).

آیا چنین پاسخی به حکم دادگاه بین المللی به معنای (کلنگ از آسمان افتادن شکست) نیست؟ و همان معنای (حکم دادگاه لاهه کاغذ پاره ای نیست) را ندارد که علی لاریجانی در مورد قطعنامه شورای امنیت گفت؟

این سابقه، یعنی بی اعتنائی به حکم دادگاه لاهه و پرت وپلا گفتن در مقابل آن حکم، این حق عرفی را برای دادگاه لاهه ایجاد خواهد کرد که از قبول دعوای ایران به همان علت که عرض شد خودداری کند و متقابلاً این حق!! هم برای جمهوری اسلامی ممکن است ایجاد شود که چون امتناع جمهوری اسلامی از تمکین به رای دادگاه لاهه با واکنشی از طرف دادگاه و شورای امنیت روبرو نشد، لذا بدعت و رویه ای میشود که رای احتمالی دادگاه هم با همان سرنوشت رای اول دادگاه روبرو شود، و در این صورت چه دادگاهی و چه رایی. دادگاه بین المللی لاهه که رای اش را طرف محکوم به آب بدهد دادگاه نیست، لذا احترام دادگاه ایجاب میکند که دادگاه لاهه از قبول مرافعه ایران و آمریکا امتناع کند مگر اینکه جمهوری اسلامی از عدم تمکین و اعتناء به رای دادگاه در مورد آزادی گروگان ها عذرخواهی کند.

حاشیه - دادگاه لاهه در اجرای حکم خود نقشی ندارد و قضیه از سوی محکوم له به شورای امنیت ارجاع میشود و شورای امنیت هم بنابراین موضوع توصیه و یا به اقدامی که متناسب میبیند مبادرت میکند.

(پایان حاشیه)

محظور دوم

محظور دوم که برخلاف محظور اول استفاده و یا عدم استفاده از آن در اختیار دادگاه لاهه نیست ارائه دلیل از سوی جمهوری اسلامی مبنی بر ورود خسارت به ایران به علت تحریم هاست زیرا اصل، در دعوای مطالبه خسارت، اثبات ورود خسارت است.

متأسفانه مقامات جمهوری اسلامی به کرات و درسمتهای مختلف تحریم هارابی اهمیت دانسته اند و برخی حتی تحریم های یکطرفه آمریکا را باعث پیشرفت اقتصادی و خود کفائی جمهوری اسلامی دانسته و میدانند. سفیر جمهوری آخوندی در لبنان در همایش پیشرفتهای اقتصادی ایران گفت: <تحریم های ۳۰ ساله اخیر آمریکا علیه ایران سبب پیشرفت و خود کفائی شده است>.

امام جمعه جیرفت گفت تحریم ها نه سبب شکست ایران بلکه باعث زانو زدن آمریکا شده است.

سید احمد خاتمی هم حرفهای امام جمعه جیرفت را در زانو درآوردن آمریکا تکرار کرد.

دبیر شورای نگهبان جمهوری اسلامی، تحریم هارا از الطاف الهی دانسته و گفته <چرا ایران باید این نعمت الهی را از خود دریغ کند>.

فرمانده بسیجیان (دریا دل) گفته >از خدا شدت تحریم هارا طلب میکنیم تاخود کفائی بیشتری را بدست آوریم<

سیدعلی خامنه ای که بنابر اعلام آمریکائی ها >حرف آخر را اومیزند< بارها گفته >ما برای رفع تحریم ها مذاکره نمیکنیم و هرکه در سیاست خارجی سازش و تسلیم را تئوریزه و ترویج کند خائن است - تحریم ها چیز مهمی نیست اراده ملت بالاتر از آن است<

حاشیه = سازش در روابط بین کشورها معنای خاصی دارد که با معنای سازش متبادر به ذهن در ادبیات مردم متفاوت است. سازش در حقوق بین الملل یکی از طرق با اعتبار برای ختم اختلافات است و در ماده ۳۳ منشور سازمان هم پیاده شده؛ و آن ارجاع اختلاف به کمیسیون است که ممکن است موقتی و یا دائمی باشد.

حرفهای آخوند که ایجاد در دسرهای بین المللی میکند یکی هم همین است که مفهوم مخالفت با سازش در حقوق بین الملل، جنگ طلبی است. (پایان حاشیه)

آقای طبیب نیا وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی به وضع بد اقتصادی کشور اشاره مستندی کرد و گفت وضع بد اقتصادی ایران ناشی از سوء مدیریت و مشکلات ساختاری و نیز تحریم هاست و گفته >بدون همکاری همگان امکان فائق آمدن در مشکلات و چالش های پیش روی وجود ندارد.

(مقصود از راه حل >همکاری همگان< ارتباط با سوء مدیریت است نه تحریم ها).

بندرت دیده شده که کسانی بر آثار منفی تحریم ها کلام داشته باشند، فرمانده سپاه پاسداران در رابطه با تحریم ها گفت: >باید بغض در گلو را نگهداشت چون سیاست کشور چنین است<.

مسائل مزبور که بنظر ممکن است مهم نباشد ولی برای جمهوری اسلامی که خواهان خسارت است بسیار دردسر ساز است.

اگر تحریم ها سبب پیشرفت و خود کفائی ایران شده چرا جمهوری اسلامی خواهان خسارت است؟

اگر تحریم ها نعمت خدادادی است شکایت چه معنایی دارد؟

اگر سوء مدیریت اقتصادی کشور سبب نارسائی ها و صدماتی شده به تحریم ها چه ارتباطی میتواند داشته باشد؟

پایان قسمت دوم ادامه آن در قسمت سوم